

بررسی فلسفه تعلیم و تربیت در نظام تربیتی امام خمینی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال پنجم)
شماره ۱۷ / پاییز ۱۳۹۸ / ص ۲۷-۳۴

فریبا میرچناری^۱

^۱ کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه باهنر کرمان

نویسنده مسئول:

فریبا میرچناری

چکیده

هدف از انجام ای پژوهش بازبینی آراء و اندیشه های نظام تربیتی ازدیدگاه امام خمینی (ره) بوده و اهمیت آن شناسایی نقطه نظرهای امام خمینی (ره) در مورد هستی شناسی ، انسان شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی و نظریات تربیتی ایشان است. در مقاله حاضر با بررسی آراء امام خمینی (ره) تلاش شده است تا اصول و روشهای تربیت یا منظر ایشان استخراج گردد. یافته های پژوهش نشان میدهد که اما مخمینی (ره) تعلیم و تربیت را از کارکردهای مهم نظام آموزشی جامعه اسلامی میدانده که مبتنی بر اصول است.

کلیدواژه ها: تربیت، آراء و اندیشه ها، نظام تربیتی، امام خمینی (ره)

مقدمه

این پژوهش با استفاده از اطلاعات اسنادی امام خمینی (ره) در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت انجام شده و اهمیت آن شناسایی نقطه نظرهای امام خمینی (ره) در مورد هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی و نظریات تربیتی ایشان است. امام (ره) در مورد هستی و انسان دیدگاه های زیادی دارند که این خود بر گرفته از دیدگاه توحیدی ایشان است معرفت و شناخت از نظر امام امکان پذیر است و ابزارهای شناخت هواس و عقل و قلبی اند منابع شناخت از نظر امام خمینی آیات انفسی آیات افاق تاریخ قرآن کریم می داند. امام علم را افضل کمالات بیان می کند و آن را نوری می داند که خداوند در دل هر کس که بخواهد می اندازد اگر قلب پاک باشد نور هدایت بر آن می تابد.

ارزشها از نظر اسلام مطلق و غیر قابل تفسیر می باشند. علت غیر قابل تفسیر بودن آنها، مبتنی بر فطرت تفسیر ناپذیر انسان هستند. از نظر امام ارزشها را از منظر انبیاء علم - تقوا و مکارم اخلاق و آن چیزهایی که انسان در باطن خود دارد می داند. امام می فرماید علوم مادی و معنوی باید در کنار هم باشند. بالاترین علوم، علوم اسلامی مانند علم اخلاق و تهذیب نفسی است. روشهای تربیتی امام روش تفکر و روش تکرار و تلقین است. تاکید بیشتر امام در استفاده از فکر و اندیشه در تمام مسائل فرهنگی و اجتماعی است. هستی شناسی از نظر امام خمینی (ره)

جهان شناسی؛ در این بخش به بیان راه های شناخت جهان از دیدگاه امام خمینی (س) می پردازیم؛

۱- حواس ظاهر

«منفقد حساً فقد فقد علماً» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ص ۲۰). معرفت برخی حقایق از راه حواس انجام میگیرد و در این رابطه کسی که فاقدحسی باشد از معرفت حاصله از راه آن نیز بینهیب است.

۲- عقل و ادراکات عقلی

استفاده از ادراک عقلی مورد توجه اکید اسلام است و روایات شریفه از جمله «دین الله لا یصاب بالعقول» مربوط به احکام تبعیدی دین است و گرنه در باب اثبات توحید و تقدیس، اثبات معاد و نبوت بلکه مطلق معارف از عقل می توان استمداد جست و کلام برخی که می گویند در اثبات توحید فقط باید به دلیل نقلی اعتماد جست، از معایب به شمار می رود (امام خمینی، ۱۳۸۵).

۳- فطرت و بینش های فطری

در انسان، بینش های فطری فراوانی وجود دارد از جمله: توحید، معاد، بلکه رئوس همه معارف و عقاید ما فطری می باشند.

۴- رویاهای صادقانه

عامل اصلی مشاهدات نفسانی و اطلاع و آگاهی از حقایق هستی، انقطاع و انسلاخ انسان از پرداختن و توجه به طبیعت و زندگی طبیعی است و این انقطاع گاهی از راه خواب صورت می گیرد (امام خمینی، ۱۴۱۰).

۵- مکاشفات و شهود باطن

«المکاشفه المعنویه للحقایق بالاطلاع علی عالم الاسماء او الأعیان» (همان، ص ۱۹۶). آنگاه که روح انسان از سرگرمی ها و اشتغالات برکنارماندمی تواند از حقایق جهان آگاهی یابد.

انسان می تواند دیدنی ها را ببیند و حتی از گذشته و آینده باخبر شود و این فراغت در صورت حصول انقطاع است و انقطاع نیز:

الف) گاهی در پرتو وقوع امور هولناک در زندگی،

ب) گاهی از طریق تصرفات و اشاره ولی الله و انسان کامل،

ج) و نیز گاهی از راه کمالات نفسانی برای آدمی حاصل می شود که در پرتو آن گاهی انسان به مشاهده بخشی از حقایق هستی نائل می گردد (امام خمینی، ۱۳۸۵).

۶- وحی و مکاتب انبیا

از راه وحی و مکتب انبیا، نه تنها فطرت و بینش های فطری انسان به فعلیت و تجلی در می آیند و افق عقل و میدان دید آن نیز گسترده تر می گردد، بلکه انسان به بسیاری از حقایق فراتر از تیررس حس و عقل آدمی دست می یابد. زیرا رسولان، منصوب از طرف خدا و مجری احکام او در جهان اند. بر این اساس آنها امانتدار اسرار اویند و از ابعاد هستی با خبرند (امام خمینی، ۱۳۸۲).

از نظر امام خمینی جهان به هم پیوسته است و نیازمند به خداوند است و انسان جزئی از این نظام است که به خداوند نیاز دارد. خداوند پیامبران را برای هدایت او فرستاده است تا خود را و موقعیت خویش را بشناسند. محور اصلی هستی شناسی امام خمین توحید را تشکیل می دهد امام در این باره می فرمایند:

« اعتقادات من و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و با پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان او بعد از آن حضرت بیان فرموده اند که ریشه و اصل همه آن عقاید که مهمترین و با ارزش ترین اعتقادات ماست اصل توحید است» (موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۶۷)

در جای دیگری می فرمایند: « همه موجودات همان جلوه خدا هستند و همان نورند: الله نور السموات و اگر این جلوه گرفته بشود موجودی باقی نمی ماند » (موسوی خمینی ، روح الله، ۱۳۷۵، ۱۱۵)

این جهان هدفمند است و نظم و قانونی دارد که بارزترین آن علت و معلول است و جهان سیر نزولی طی کرده و در حال سیر صعودی به سوی خداوند است و خداوند جهان را بازیچه نیافریده است بلکه به حق و به سوی هدفی آفریده است. امام در این باره می فرمایند: «جمع مراتب وجود، از غایت اوج ملکوت و نهایت ذرّۀ جبروت تا منتهی النهایات عالم ظلمات و هیولی، مظاهر جمال و جلال حق و مراتب تجلیات ربوبیت است و هیچ موجودی را از خود استقلالی نیست (موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۹، ۵۸۵).

انسان شناسی

انسان شناسی و معرفه النفس، در نظر امام خمینی (س) از اهمیت ویژه ای برخوردار است. وی همواره در نوشتار، گفتار و رهنمودهای خویش بدین مهم توجه ویژه ای داشته و ابعاد مختلف وجود انسان، حقیقت نفس و اهمیت آن را خاطر نشان ساخته اند؛ از جمله:

۱- معرفت النفس نردبان راهیابی به آسمان معارف و حقایق است و کسی که نفس خویش را شناخت، خدای خود را شناخته است (امام خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

۲- مراد از نفس، همان عنصر ملکوتی است که در عین ارتباط با بدن، وجودی مستقل از آن دارد؛ زیرا موجودی مجرد، یعنی غیرمادی است. ولی بدن موجودی است مادی (امام خمینی، ۱۳۸۳، ص ۵).

۳- هر چه از عمر نفس بگذرد، قوی تر می گردد، در حالی که بدن فرسوده گشته و رو به کهولت می رود (همان ص ۱۹۹). نفس از بدن به عنوان یک ابزار استفاده می کند، و نفس است که بدن را از نابود شدن حفظ می کند (امام خمینی، ۱۳۵۳).

۴- انسان پرتوی از جمال حق است ولی باید دانست آدمی عین ذات حق نخواهد بود، بلکه نسبت میان او و ذات پروردگار متعال، تباین ذاتی است (مصباح الهدایه، ۱۳۸۶).

۵- انسان عصاره ای از تمام اسماء و صفات الهی است.

۶- امام بر این نکته تأکید اساسی دارد که انسان را به گونه ای کامل و جامع نمی توان شناخت. زیرا دنیا حجابی است برای ملکات نفسانی او و در واقع دنیا ظرف تجلی ملکات باطنی او نیست. بر این اساس، شناختن و شناسایی واقعی او در جهان دیگر است (صحیفه امام، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۴۹۹).

جهان هستی و تمام کائنات وابسته به خداوند بزرگ است و خداوند علت و جهان معلول است. امام (ره) انسان را عصاره عالم می دانند و در این باره می فرمایند:

وجود انسان عصاره تمام عالم و تمام موجودات است و وجودش یک نشه کوچکی می باشد که از روی نقشه بزرگ عالم و کون کبیر از عقل تا آخرین نقطه وجود برداشته شده است و این وجود انسانی همانند یک نقشه کوچکی است که از وجود کل عالم کبیر برداشته شده است «(موسوی خمینی ، روح الله، ۱۳۸۵، ۷۲)

امام (ره) ویژگیهای انسان را هم مورد توجه قرار داده اند و از ویژگیهای انسان، فطرت را خمیر مایه انسان و اساس تربیت تعبیر می کند. همچنین فطرت آدمی را پویا دانسته که در یک حد معینی متوقف نمی شود.

یکی دیگر از ویژگیهای انسان را امام (ره) آزادی و اختیار معرفی می کند و آن را بزرگترین سرمایه انسان بیان می دارد که انسان بوسیله آن خیر و شر سعادت و شقاوت خویش را تأمین می کند. از منظر امام (س) مسئله اساسی در باب تربیت، مسئله روح و قلب است؛ زیرا اگر قلب آدمی الهی شود، همه کردار، رفتار و نیت او نیز الهی خواهد شد. و به طور کلی سعادت انسان به روح یعنی قلب او بستگی دارد (همان،

ج ۸، ۵۲۱). عشق به خدا، هدایتگر انسان است. تنها از این راه است که وی به استقلال و آزادی و کمال نائل می آید. هنگامی که نفس توجه خود را از عالم ملکوت ماده گرفته و به عالم تجرد و معنویت انتقال دهد، قوی ترمیگرد و این هدف اساسی تربیت اسلامی است. از دیگر ویژگیهای انسانی را قلب دانسته که محل تجلی خداوند می باشد. امام (ره) بر تربیت پذیری انسان زیاد تاکید دارند و آتن را از الطاف الهی می دانسته اند.

تربیت از منظر ایشان به معنی شکوفا سازی فطرت و یا جلوگیری از آن است. همچنین امام (ره) برای تربیت دوره دارند یکی راه الهی و یکی راه غیر الهی و بیان می دارند تنها تربیت الهی است که پاسخ گوی نیازهای فطری انسان است. امام موجودات را هر کدام در رتبه ای می بیند و موجودات را رتبه بندی می کنند و در این باره می فرمایند. «سلسله وجود از عنصری ملکی، اشباح و ارواح، غیبت و شهود... کتابهای الهی و صحیفه هایی ارزشمند ربوبی و زبورهای نازل از آسمان احدیت است و هر مرتبه و هر درجه از درجات وجود در سلسله طولی و عرضی آیه ای است که بر گوش دل تعیین با روان قرائت شده است...»

در نظر امام خمینی (ره) جهان برای انسان خلق شده است و نظام هستی نظام احسن است و انسان احسن الخالقین است و انسان باید از نظام احسن استفاده کند و بهره برداری او به عدل باشد. امام خمینی در نظام عالم سه عالم وجودی قبول داشتند.

۱- عالم ملک

۲- عالم ملکوت

۳- عالم لاهوت

عالم زمین در برابر ماورای طبیعت کوچک است و عالم ماورای طبیعت در مقابل اراده خداوند ناچیز است. «این زمین در مقابل یک همچو سطح بزرگ، یک چیز ناچیزی است بلکه خورشید و ماه و تمام عائله خورشید و ماه در مقابل ذره غیر محسوسی است و تمام عالم در مقابل عالم ماورای طبیعت ذره غیر محسوسی است.»

شناخت شناسی از نظر امام خمینی

امام (ره) در مورد امکان پذیر بودن شناخت می فرمایند:

«انسان اگر هم تا آخر کوشش کند می تواند بفهمد آن روابطی که در طبیعت بین اشیاء عللو معلول و سبب و مسببات، روابطی که در اشیاء است. می تواند ادراک کند. (موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۶۱، ج ۲، ۲۲۵)

انسان قدرت شناخت را دارد ولی چون عمر انسان کوتاه است باید به علومی می پردازد که مفید هستند و آنها را عمل کند. و این شناخت با تفکر و اندیشه بدست می آید. امام ابزار شناخت را حواس - عقل - قلب می دانند امام در مورد ابزار شناخت می فرمایند:

«این چشم و گوشی که در اختیار شما است، این دست و زبانی که تحت فرمان شماست، این اعضاء و جوارحیکه با آن زیست می کنید، همه امانات خداوند متعالی باشد که با کمال پاکی و درستی به شما داده شده است. (موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۶۴، ۳۷)

منابع شناخت از دیدگاه امام خمینی همان دیدگاههای قرآن و امام علی (ع)، آیات انفسی (وجود انسان) و آیات آفاقی (طبیعت) و تاریخ است. امام درباره شناخت انفسی (وجود انسان) می فرمایند:

«ای برادر راه حقیقت از خواب غفلت بیدار شو و چشم دل دیده ی قلبت را باز کن و کتاب نفس خود را قرائت نما، که از برای گواهی، کافی خواهد بود» (موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۴، ۲۷۰)

امام (ره) شناخت را برای انسان امکان پذیر دانسته است و ابزار های شناخت حواس، عقل، قلب می داند. منابع شناخت از منظر امام آبات انفسی آیات آفاقی، تاریخ قرآن کریم می داند.

امام علم را افضل کمالات بیان می کند و آن را نوری می دانند که خداوند در دل هر کس که بخواهد می اندازد و اگر قلب پاک باشد نور هدایت به آن می تابد.

ارزش شناسی از نظر امام خمینی (ره)

امام خمینی ارزشها را در امور مادی نمی دانند بلکه ارزشها را فراتر امور مادی می دانند به نظر ایشان علم ارزش است و اولین آیات نازل شده به قلب مبارک پیامبر درباره علم است که اقرا باسم ربک الذی است.

در مورد فضیلت علم امام (ره) می فرمایند:

«بدان که علم، از افضل کمالات و اعظم فضایل است چه آن از اشرف اسماء الهیه و از صفات موجود بما هو موجود است و نظام وجود و طراز غیب و شهود، به برکت علم منتظم شده است.»

امام آموزش علوم مادی و معنوی باید در کنار هم باشند بالاترین علوم، علوم اسلامی مانند علم اخلاق و تهذیب نفسی است .

دومین عامل ایمان است که دارای ارزش است امام در تعریف ایمان می فرمودند:

«ایمان عبارت از این است که آن مسائلی را که شما با آن عقل تان ادراک کرده اید، آن مسائل را قلبتان هم به آن آگاه شود با روش بیاید» (موسوی خمینی، روح الله، ۹۷، ۱۳۷۷)

امام خمینی علمی را ارزشمند می داند که با عمل همراه باشد و فرد عمل صالح انجام دهد.

«علم تنها اثر ندارد بلکه گاهی مضراست، عمل بدون علم بی نتیجه است ، علم و عمل دو بالی است که انسان را به مقام انسانیت می رسانند» (موسوی خمینی، روح الله، ۱۴۱، ۱۳۶۴)

امام در مورد فلسفه ارزشها از نظر انبیاء می فرمایند:

«راه انبیاء ارزشها را طوری می داند، انسان را صاحب ارزش و از زشتی راه به حیوان نمی داند به جهاد نمی داند ، به دارایی نمی داند به آن چیز هایی که در باطن خودش هست می داند به علم می داند ، به تقوا می داند و به مکارم اخلاق می داند . (موسوی خمینی، روح الله، ۱۷۵)

ارزشها از نظر اسلام مطلق و غیر قابل تغییرند علت غیر قابل تغییر بودن آنها این است که مبتنی بر فطرت تغییر ناپذیر انسان هستند از نظر اسلام ارزشها دارای مراتب هستند و ارزشهای الهی در بالاترین مرتبه قرار دارند ارزشها از نظر قرآن کریم علم، ایمان، عمل صالح می باشد امام ارزشها را از نظر انبیاء علم -تقوا مکارم اخلاق و آن چیز هایی که انسان در باطن خودش دارد می داند.

معلم از نظر امام خمینی

اولین معلم انسان خداوند است . بعد از خداوند پیامبران و امامان و معلمان انسان هستند.

اما پیامبران همیشه در دسترس نیستند از این رو ضروری است گروهی از مردم عهده دار تعلیم و تربین بشوند . از نظر امام خمینی تنها مربیانی که در طول تاریخ بشر در هدایت انسان ها موفق شده اند انبیاء بوده اند. انبیاء به عنوان مربیان بزرگ بشریت که شناخت کامل به فطرت انسان دارند می خواهند سیادت فطری انسان را به سیادت عملی تبدیل کنند و آنها هستند که می توانند پرورش دهنده خوبی باشند. امام در این باره می فرمایند : کوشش انبیاء وایده بعثت در تمام قرنهای تربیت موجودات این موجوداتی که عصاره همه مخلوقات است و با اصلاح او اصلاح می شود عالم با فساد و به فساد کشیده می شود . کوشش انبیاء از اول تا آخر این بوده است که این موجود را به صراط مستقیم دعوت کنند و راه ببرند نه همان هدایت و گفتن تنها، بلکه راهنمایی و الگو بودن خودشان در اعمال و در افعال و در اغوال ، برای اینکه این موجود را به آن کمالی که لایق آن است برسانند.(موسوی خمینی ، روح الله، ج ۴، ۱۵)

اسلام معلم را به عنوان پدر روحانی معرفی می کند و امام حقوقی که درباره پدر و مادر در اسلام یاد آور شده است به طور کاملتر باید درباره معلم رعایت گردد بلکه به مصداق کلام حضرت علی (ع) که می فرمایند:

«هرکس به من حرفی بیاموزد مرا بنده خویش قرار داده است .»

امام خمینی شغل معلمی را شغل انبیاء می دانند و معلمین اولین چیزی که به شاگردان خود یاد می دهند روحیه حق طلبی و گرایش به سوی تعالیم الهی می باشد . معلم وظیفه دارد زمینه ای فراهم کند که شاگردان دانش و معرفت کافی و کامل رانست به آن ارزشها به هم زنند . چنان معرفت و بینشی که از علمی سطحی و ظاهری به مراتب فراتر بوده به یک آگاهی جامع ژرف و یک بصیرت موثر در آنها تبدیل گردد.

امام وظیفه معلم را انسان سازی تعبیر می کنند و به عنوان مهمترین وظیفه معلم یعنی انسان سازی از معلم می خواهد در راستای این وظیفه عمل انبیاء را سرمشق قرار دهد . امام در این باره می فرمایند:

«شغل شما شغل انسان سازی است معلم انسان درست می کند همان شغل انبیاء است انبیاء آمدند از اول هر نبی آمده است تا آخر شغلش این بوده است که انسان درست بکند . تربیت کنند انسان ها را شغل معلمی همان شغل انبیاء است پیامبر اکرم معلم همه بشر است و بعد از او حضرت علی .

آنها همه معلم بشر هستند . شما هم معلم یک عده هستید . شغل همان شغل است (موسوی خمینی، روح الله، ج ۵، ۹۶)

معلم از زبان واسطه فیض الهی، در ملکوت آسمان ها عظیم خوانده می شود: «من تعلّم العلم و عمل به و علّم لله دعی فی ملکوت السموات عظیماً» (امام خمینی، ۱۳۶۰).

معلم مظهر اسم شریف محیی است که نفوس مستعد را به آب حیات علم احیا می کند، معلم اگر در مسیر ارزش ها گام بردارد و کارش الهی باشد در حقیقت فرزندان معنوی پرورش می دهد و از عقیق بودن بدر می آید و تا آثار وجودیش باقی است از آنها بهره مند است که ارتقای درجات نوری در نشأت ماورای طبیعت عایدش می گردد، بدون این که از پاداش عاملان به آثارش چیزی کم شود. علم شخص روح

انسان و عمل ویژه بدن او در عالم آخرت است و هر کس به صورت علم و عمل خویش در سرای دیگر برانگیخته می شود و این معلم است که می تواند چنین ملکاتی را در انسان ها شکوفا سازد و آن ها را به سوی سعادت جاویدان رهنمون نماید. اگر نهال وجود طفل و نوجوانی به دست باغبانی شایسته قرار گیرد، شجره طیبه ای پدید می آید که ثمرات نورانی و معنوی آن معلم و متعلم را ارتقاء خواهد داد از این جهت امام خمینی(ره) شغل معلمان را بسیار شریف دانسته و آن را در ردیف برنامه های تعلیماتی پیامبران دانسته اند و فرموده اند: «شما باید خیلی توجه داشته باشید که یک مردم عادی نیستید، شماها معلم نسلی هستید که در آتیه همه مقدرات کشور به آن نسل سپرده می شود» و خاطرنشان ساخته اند: «معلم امانت داری است که غیر از همه امانت ها، انسان امانت اوست» (امام خمینی، ۱۳۶۲) و در جمع گروهی از بانوان دزفول فرموده اند: «شغل شما، شغل انسان سازی است، معلم انسان درست می کند، همان شغل انبیاست، انبیاء آمدند... انسان درست کنند، آنها معلم همه بشر هستند، شما هم معلم یک عده هستید اینها در یک محیط وسیع تر و ماها در یک محیط کوچک تر، بنابراین، این شغل شما، شغل بسیار شریفی است لکن مسئولیت آن هم بسیار زیاد است.» (امام خمینی، ۱۳۴۶)

ایشان در جایی دیگر می فرمایند: «معلمین، نسل آینده ما را می سازند و چشم و چراغ این مملکت اند و صرف نظر از مجاهدین... باید بگویم که مؤثرترین و والاترین مشاغل، معلمی است زیرا همه برای کوتاه مدت و یا میان مدت کار می کنند ولی معلم برای استمرار زمان کار می کند، همه مصرف کننده نیروی انسانی هستند و معلم تولید کننده نیروی انسانی است.» (امام خمینی، ۱۳۶۲)

اگر تربیت را فراهم نمودن زمینه های بالندگی، متعادل کردن و بالابردن گوهر آدمی بدانیم و هدفش را فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه آدمی در جهت کمال مقدّر و قرب الی الله در نظر آوریم، بدون شک معلمان در تحقق این امر نقش ارزنده و بسزایی دارند و اگر مقصد تعلیم را انتخاب و انتقال عناصر فرهنگی و تجارب بشری به نسل دیگر تصور کنیم این معلمان اند که در جوامع گوناگون و در اعصار مختلف در انتقال چنین عناصر و مفاهیمی سهم فراوانی داشته اند.

اگر هدف از تزکیه را پاکسازی روح و روان و دل از تمامی زنگارهای گناه و آلودگی ها بدانیم این معلمان هستند که مراحل تخلیه، تحلیه و تجلیه را برای به کمال رسانیدن آدمی عملی می سازند. شهید ثانی می نویسد: به واسطه معلم است که دانش در دنیا باقی می ماند و از بین نمی رود، از این رو تدریس و تعلیم از مهم ترین عبادات و از واجب کفایی است.

شاگرد از نظر امام خمینی

امام نقش اصلی را در تعلیم و تربیت بر عهده خود متربی می داند که به اراده و اختیار خود می تواند راه کمال را پیماید . لذا اگر از جانب خود شاگرد انگیزه تلاشی نباشد برنامه های تربیتی معلمان نتیجه ای نخواهد داشت.

برنامه درسی از نظر امام خمینی

دربینش امام آموزش علوم مادی و معنوی باید در کنار یکدیگر تدریس شود . بنابراین برنامه های درسی از نظر ایشان هم باید ماهیت دنیایی داشته باشد و هم ماهیت آخرتی یعنی باید در برنامه های درسی به هر در نیاز توجه کرد روشهای تربیتی امام روش تفکر ، روش تکرار و تلقین است تاکید بیشتر امام در استفاده از فکر و اندیشه در تمام مسائل فرهنگی و اجتماعی است .

آراء تربیتی ملاصدرا

ملاصدرا می فرماید : کمترین مراتب در اکتساب علمی که بدان انسان سزاوار این سعادت حقیقی به گونه گمان و تقریب نه به شکل قطعی و یقینی می گردد این است که در اینجا علم به مبدا اعلی و وجودی که سزاوار او و خاص او است پیدا کند.(ملاصدرا، ۱۳۸۷، ج۴) ملاصدرا حیات متربی را به دوره های مشخصی تقسیم می کند این تقسیم بندی بر اساس ادراکات و رشد معرفتی متربی انجام می شود. بر اساس تصمیمات ادراک ملاصدرا ادراک حسی -خیالی -عقلی و عرفانی)

زندگی هر فرد (در چهار حیات خلاصه می شود حیات حسی حیات خیالی - حیات عقلی و حیات عرفانی) این چهار حیات به مربی این امکام را می دهد که بفهمد در هر دوره چه روشی را برای تربیت فرد انتخاب کند در هر یک از دوره های حیاتی به سن و زمان خاص محدود نمی شود بلکه این مربی است که باید بداند در هر دوره چه کار بکند و بر اساس ادراکات فرد چه نوع تربیتی را برای فرد در نظر بگیرد. متربی اگر در حیات حسی باشد و حقایق را بشناسد کودک محسوب می شود اگر ادراکات خود را رشد داده و به ادراکات خیالی برسد حیات خیالی پیدا کند نوجوان محسوب می شود در صورتی که فرد به ادراکات عقلی نائل آمده باشد در حیات فلسفی و دوره جوانی به سر می برد و اگر ادراکات فرد از نوع ادراکات شهودی و عرفانی باشد در بین بزرگسالی قرار دارد .

سبزواری به نقل از ملاصدرا(۱۳۸۷، ج۴) معتقد است کمال نفس به حسب قوه نظری عبادت از رسیدن به عقلیات ناب است و به حسب عقل عملی حصول عدالت است (ص۱۲۵) بنابراین انسان باید موجبات کمال نفس خود را فراهم آورد و در این راه نیز مربی باید درباره چگونگی رسیدن به عقلیات ناب به متربی آگاهی ببخشد و این راه کمال نفسی به حسب قوه نظری است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی فلسفه تعلیم و تربیت در نظام تربیتی امام خمینی بوده است و اهمیت آن شناسایی نظر امام خمینی در مورد هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی است. تبیین آرای امام خمینی نقطه آغاز تعلیم و تربیت انسان است و هدف نهایی تربیت شکوفایی استعدادها و قابلیت ها به منظور تقرب به کمال مطلوب خداست که بایستی محور همه برنامه ها و اقدامات تربیتی قرار گیرد. یافته های پژوهش نشان داد که تعلیم و تربیت از کارکردهای مهم نظام آموزشی جامعه اسلامی است که مبتنی بر اصولی است

در پژوهش حاضر سعی بر آن شده که در هستی شناسی به بیان راه های شناخت جهان از راه حواس ظاهر، عقل، و ادراکات عقل، فطرت، وحی از منظر امام خمینی است. در شناخت شناسی امام شناخت را برای انسان امکان پذیر دانسته، رویاهای صادقانه، کشف و شهود است و ابزار های شناخت را حواس، عقل، قلب می داند. در ارزش شناسی امام خمینی ارزش ها را در امور مادی نمی داند بلکه آنها را فراتر از امور مادی می داند. در آخر نظر امام در باره معلم و برنامه درسی آمده است. امام خداوند را اولین معلم انسان ها می داند و بعد انبیا که از طرف خداوند آمده اند را به عنوان معلم بشر معرفی می کند. روش های تربیتی امام خمینی روش تفکر، روش تکرار و تلقین است. بیشتر تاکید امام خمینی در استفاده از فکر و اندیشه در تمام مسایل فرهنگی و اجتماعی است.

منابع

۱. چهل حدیث - ص ۱۲۷.
۲. ر.ک به: صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۳۲.
۳. ر.ک به: صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۸۱.
۴. ر.ک به مصاحبه امام با روزنامه اطلاعات، صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۲۰.
۵. نگاه کنید به جواب امام به حجت الاسلام قدیری، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴۹.
- ۶-اسلاوین، رابرت. روانشناسی تربیت. ی ترجمه یحیی سیدمحمدی. (۱۳۸۵). تهران: انتشارات روان. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۶).
- ۷-داوودی ، سمیه(۱۳۹۲).ارائه مدل پیش بینی پیشرفت تحصیلی زبان انگلیسی با تأیید به نفس خودکارآمدی تحصیلی،درگیری شناختی و رفتاری،فصلنامه علمی پژوهشی آموزشی،شماره ۱ص۳۸-۴۸.
- ۸-روشنیان رامین؛ آقازاده، مجید (۱۳۹۲). خودکارآمدی پژوهشی در میان دانشجویان کارشناسی ارشد روان شناسی و علوم تربیتی، فصلنامه، پژوهش در برنامه ریزی درسی، دوره ۱۰ ، شماره ۱۲.۱۴۷ - صفحات ۱۵۵.
- ۹-سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۳۱۹۲). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگه چاپ بیست و دوم.
- ۱۰-سیف، علی اکبر(۱۳۸۴). اندازه گیری سنجش و ارزشیابی آموزشی ، تهران ، نشر دوران.